

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر الزامات جهاد تبیین

در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)



درآمد

«تبیین و روشنگری» کلید واژه‌هایی پر تکرار در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است. ایشان تبیین حقیقت را «مهم‌ترین وظیفه» و «عمده‌ی هدف انبیاء» می‌دانند، و معتقدند بدون تبیین و روشنگری، «قطعاً هیچ فکری و هیچ اندیشه‌ی متقنی، توفیق رواج و اعتقاد عمومی را پیدا نخواهد کرد» و ایجاد گفتمان و مطالبه عمومی و حرکت کشور به سمت اهداف اصلی نیز بدون روشنگری محقق نمی‌شود، زیرا «ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد»^۱

روزگار حسّاس و پیچیده‌ای که در آن قرار داریم، اهمیّت روشنگری را بیش از هر زمان دیگری یادآور می‌شود؛ در دوره کنونی، نقشه دشمن علیه انقلاب ملت ایران، «نفوذ» است؛ زیرا «از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه‌ی اساسی وارد کند ناامید است، چون میدانند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد؛ اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند... میخواهند دلها را تسخیر کنند، میخواهند ذهنها را تغییر بدهند»^۲ و در مقابل این نقشه پیچیده و ابزارهای فراوان آن، وظیفه بزرگ تبیین، «بر دوش همه‌ی غمخواران ملت ایران و غمخواران کشور است»^۳ آیین روشنگری، نیز در واقع جهاد است. چراکه «جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، و جهاد مالی است»^۴

آنچه وظیفه‌ی همه‌ی ملت اسلام و همه‌ی امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است؛ این در درجه‌ی اوّل. هم علما مسئولند، هم روشنفکران مسئولند، هم تحصیل کرده‌ها مسئولند، هم همه‌ی کسانی که منبری دارند، تریبونی دارند مسئولند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمیدانند بیان کنند؛ این روشنگری جهاد است. جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، و جهاد مالی است. امروز به خاطر اینکه این فریضه را - فریضه‌ی تبیین را- ما درست انجام ندادیم، یک عده‌ای دچار گمراهی‌اند و به خیال اینکه برای اسلام دارند کار میکنند، علیه اسلام دارند کار میکنند؛^۵

۱ (۱۲/۰۴/۱۳۹۵)

۲ (۰۳/۰۳/۱۳۹۵)

۳ (۰۳/۰۳/۱۳۹۵)

۴ (۲۹/۰۲/۱۳۹۵)

۵ بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در مسابقات بین المللی قرآن کریم: ۱۳۹۵/۲/۲۹

انشاءالله خدای متعال زمینه را برای حرکت امت اسلامی فراهم خواهد کرد. اگر ما جهاد کنیم، اگر ما حرکت کنیم، اگر ما نیتمان را خالص کنیم، خدای متعال هم به ما کمک خواهد کرد؛ اگر ما تنبلی کنیم، اگر کاری که بر عهده‌ی ما است انجام ندهیم، طبیعی است انتظار کمک الهی را هم نباید داشته باشیم. خداوند متعال به کسانی که کار میکنند و تلاش میکنند، کمک میکند؛ خداوند متعال به ملت‌هایی که حرکت میکنند و به انسانهایی که تلاش میکنند، کمک میکند؛ تلاش کنیم، حرکت کنیم، خدای متعال هم به ما کمک خواهد کرد.

شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوه‌ی دل‌ملت و امید آینده‌ی این کشورید، به مسئله‌ی «تبیین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام‌نگاه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خشی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است.

هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ میتوانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده‌ی از این امکان منتشر کنید و میتوانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. البته اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه‌ی اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام میدهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه میشوند، باید بشدت اجتناب کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی، و به‌کارگیری اخلاق منتشر کرد. امروز همه‌ی ما بایستی در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم.

امیدوارم انشاءالله خدای متعال همه‌ی شماها را موفق کند. جوانهای ما امروز بحمدالله مجهزند؛ مجهز به فکر، مجهز به عقلانیت، مجهز به آگاهی‌های فراوان، و میتوانند در این زمینه‌ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش بدهید و به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهز کنید و در این میدان وارد بشوید: در میدان تبیین و افشاگری.^۶

عزیزان من! بارِ سنگینِ حفظِ این امانتِ الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه اولیا و ائمه بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ ولو ناقص. (کاملش هم، ان شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد.) این، بارِ خیلی سنگین و محموله پر ارزشی است. این را شما باید حفظ کنید.^۷

شکّی نداریم که پیروزی از آن اسلام است؛ این جبهه‌ی کفر با همه‌ی وسعت، با همه‌ی زرق و برق، با همه‌ی توپ و تشری که میزنند، بالاخره در مقابل امت اسلامی و جبهه‌ی اسلامی مبارز و مجاهد و اداری به عقب‌نشینی خواهد شد. وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ (۵) این سنت الهی است و تردیدی در این وجود ندارد. شرطش فقط این است که ما تلاش کنیم، ما حرکت کنیم، ما راه بیفتیم، ما کار کنیم؛ اگر ما کار کردیم، این سنت الهی است که دشمن باید عقب‌نشینی کند و عقب‌نشینی هم میکند.^۸

اما جهاد روشنگری همان قدر که اهمیت دارد، آداب مهمی نیز دارد که باید دلسوزان انقلاب و جهادگران این عرصه به آنها ملتزم باشند:

۱. هم راستایی با نقشه کلان حرکت انقلاب

یک حرکت عمومی معقول و منضبط - منضبط! وقتی میگوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد - و صحیح و منظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد:

اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام میدهند یا محور این حرکتند یا لاقط تحریک‌کننده‌ی این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، میخواهید

^۷ بیانات در دیدار جمعی از پاسداران: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

^۸ بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در مسابقات بین المللی قرآن کریم: ۱۳۹۵/۲/۲۹

یک حرکت انجام بدهید؛ خب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصتهایش کدامها هستند، تهدیدهایش کدامها هستند، دشمنهایش چه کسانی هستند، دوستهایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.

یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد میکنیم و مطرح میکنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی میخواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

عنصر سوم که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمیرود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیتهای ملی‌ای که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتی شما جوانها ظرفیتهای ملت خودتان را شناخته‌اید. ملت ایران نشان داده که میتواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده بریاید؛ ملت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را راه انداخت؛ اینها مثل معجزه است. تشکیل جمهوری اسلامی در دنیای دوقطبی کاپیتالیسم و کمونیسم - که آن روز بود - مثل یک معجزه است؛ واقعاً شبیه معجزه‌ی عبور از دریا برای بنی‌اسرائیل یا عصای موسی است؛ مثل یک معجزه است. خب ملت ایران این کار را کردند؛ این یک ظرفیت خیلی مهمی است. بعد [هم] توانستند این را نگه دارند. دیگران هم از این کارها همین چند سال قبل از این [کردند]؛ دیدید دیگر؛ بعضی از این کشورهای منطقه‌ی شمال آفریقا و مانند آنها از این کارها کردند، اما نتوانستند نگه دارند. ملت ایران توانست نگه دارد. ملت ایران توانست در مقابل ابرقدرت‌های بزرگ دوران سینه سپر کند، آنها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ پس این خودش یک نقطه‌ی امید است. پس ما این نقطه‌ی امید را داریم. البته نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است. یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه‌ی مقابل ما است. بنده به طور قاطع میگویم - البته یک عده‌ای فوراً بنا میکنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را میگویم، میتوانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدن غربی دچار انحطاط است،

یعنی واقعاً در حال زوال است: عَلَي شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنهَارَ بِهِ؛ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ لب گودال است؛ این جوری است. البتّه حوادث و تحولات جوامع بتدریج اتّفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمیشود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است؛ و بعد هم وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خدا که «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». خب، وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؟ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ وعده‌ی چه کسی از خدا درست‌تر است؟ خدا می‌گوید: ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه‌ی اسلامی و تحقّق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری میکند؛ نقطه‌ی امید. پس عنصر سوّم هم که وجود نقطه‌ی امید است، وجود دارد.^۹

۲. توکل بر خدا و تکیه بر سنت‌های الهی

بر این عالم وجود، قوانینی حاکم است که اهل ماده آن قوانین را نمی‌شناسند؛ آن قوانین را نمی‌بینند؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْل. در جای دیگر: سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْل. سنت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، اینها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین‌جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با چشم‌های کم‌سو نمیتوانند درک بکنند اما وجود دارد. خب، وقتی که ما زمینه‌ی این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم میکند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد؛ ملت ایران این زمینه را فراهم کرد. این حرفها را بزرگان ما گفته‌اند، هم قرآن مکرّر فرموده است، هم در کلمات ائمه (علیهم‌السلام)، در کلمات رسول خدا، اینها وجود دارد. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْر. امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه میفرماید: صادقانه وارد میدان بشوید، ایستادگی بکنید، خدای متعال دشمن شما را سرکوب خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد. این قاعده‌ی کلی و قانون است. این قاعده در انقلاب تحقّق پیدا کرد؛ مردم صادقانه وارد میدان شدند و ایستادگی کردند.

^۹ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

خب، همین جا یک نتیجه بگیریم و آن این است که ما یک جبهه‌ی وسیع دشمن در مقابل خودمان داریم. جبهه‌ی وسیع دشمن از سردمداران رژیم صهیونیستی تا سردمداران دولت آمریکا، تا دیگر ایادی و عوامل استکبار جهانی، تا عوامل تکفیری، تا داعش؛ یعنی ببینید چه جبهه‌ی عظیمی است. یک طیف عظیم و نامتجانس؛ اینها همه دشمن نظام جمهوری اسلامی‌اند؛ [پس] یک جبهه‌ای وجود دارد. خیلی کارها هم میتوانند بکنند، حملات تبلیغاتی میکنند، تمام این دستگاه‌های رسانه‌های دنیا در مشت اینها است. علیه جمهوری اسلامی هرچه دلشان میخواهد میپراکنند. کلیدهای اقتصادی دست اینها است، قدرتهای سیاسی دست اینها است، نظامهای امنیتی دست اینها است، سرویس‌های اطلاعاتی مال اینها است؛ اینها در مقابل نظام جمهوری اسلامی هستند. خب، یک عده‌ای وقتی چشمشان به این جبهه می‌افتد، دلشان میریزد. این به‌خاطر این است که از آن کلیدواژه‌ی مهم سنت الهی غفلت میکنند. خب، همین دشمنی‌ها و بالاتر از این دشمنی‌ها با خود انقلاب بود؛ انقلاب پیروز شد. امروز هم همان دشمنی‌ها است؛ امروز هم شما اگر چنانچه به لوازمش عمل بکنید، شما پیروز خواهید شد؛ برو برگرد ندارد. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ؛ این امروز هم صادق است. من و شما وقتی صادقانه وارد میدان بشویم، به لوازمش عمل بکنیم، ایستادگی کنیم، بصیرت به خرج بدهیم، به‌موقع اقدام بکنیم، درست حرف بزنیم، درست عمل بکنیم، صادقانه وارد میدان بشویم، همان حرفی که امیرالمؤمنین فرموده وجود دارد: «أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ؛ پیروزی مال ما است، کبت و سرکوبگری متعلق به دشمن است. خب، پس تا اینجا مسئله‌ی انقلاب به‌عنوان یک نقطه‌ی اساسی و روشن، یک درس بزرگ برای آینده‌ی ما میدهد.^{۱۰}

۳. تقویت ایمان و معنویت در خود

اگر بخواهید این حرکت با همین شتاب و با همین رفتار تداوم پیدا کند و اثر بخش باشد باید خودمان را بسازیم ما باید مثل پاره‌های فولاد باشیم، ایمانمان را تقویت کنیم، بصیرتمان را زیاد کنیم، آگاهی مان را بیشتر کنیم.

ایمان، سرمایه عجیبی است، اگر همین ایمانتان را به کار بگیرید، یعنی عمل صالح را بر آن مترتب کنید و حتی المقدور کارهای ثواب را به بهترین نحو انجام دهید و گناهی را که مرتبط با خودخواهی انسان است را انجام ندهید این اعمال ایمان را افزایش می‌دهد. ایمان همراه با اعمال صالح افزایش پیدا می‌کند.

^{۱۰} بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

۴. رعایت اخلاق

ادب اسلامی را در جامعه بگسترانید. عزیزان من! یکی از چیزهای بسیار مهم، حفظ ادب اسلامی در سخن گفتن است که متأسفانه امروز با گسترش فضای مجازی بتدریج این ادب اسلامی دارد کم‌رنگ می‌شود. بدزبانی، بدگویی و مانند اینها بایستی در جامعه جمع بشود. امروز بعضی سعی میکنند یا بی‌توجهی میکنند و این در جامعه، بخصوص در بعضی از رسانه‌ها -چه رسانه‌های صوتی، چه رسانه‌های تصویری- و بخصوص در فضای مجازی رو به گسترش است. شما بایستی در بیان خودتان، در شیوهی کار خودتان، به نحوی عمل بکنید که گسترش این [بدزبانی و بدگویی] وجود نداشته باشد. مکتب ائمه (علیهم السلام) و مکتب علوی و فاطمی از این چیزها مبرا است. شما نگاه کنید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) دو خطبه‌ی طوفانی ایراد کرده؛ دو خطبه‌ی به معنای واقعی کلمه طوفانی: یکی در مسجد در میان انبوه متراکم مردان، یکی هم خطاب به زنان مدینه که پُر [است] از مطالب بسیار مهم و اعتراضی -اعتراض- و تنبیه نسبت به مفاهیم برجسته‌ی اسلامی که فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در مورد آنها خطر را احساس میکرد، لکن در این دو خطبه‌ی مهم و بزرگ و پُرشور، یک کلمه‌ی هتک و زشت و توهین‌آمیز وجود ندارد؛ [و همه‌ی کلمات،] کلمات محکم و مستحکم، بیانات متین و متقن. باید این جور عمل کنید؛ در اظهارات، در صحبتها، قول به غیر علم نباید باشد، غیبت نباید باشد، تهمت نباید باشد و بدگویی و بدزبانی نباید باشد. اینها را به مردم یاد بدهید، تعلیم بدهید؛ هم در زبان تعلیم بدهید، هم در عمل تعلیم بدهید و ببینید که چقدر اینها مهم است. امیرالمؤمنین فرمود «أَنْتِ أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»؛ وقتی که در لشکر امیرالمؤمنین خطاب به لشکریان معاویه بعضی‌ها یک مقداری بدزبانی کردند، حضرت فرمود نه، بدزبانی نکنید، بدگویی نکنید، «أَنْتِ أَكْرَهُ لَكُمْ»، من دوست ندارم شما این جور باشید. این اخلاق فاطمی و علوی است.^{۱۱}

۵. رعایت اولویت‌ها و اصلی فرعی کردن

اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورید. دشمن که نخوابیده؛ او بیدار است: «و انّ احبا الحرب الأرق و من نام لمینم عنه». شما اگر حواست پرت شد، شما اگر از موقعیت خود غافل

^{۱۱} بیانات در ارتباط تصویری با مداحان: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

شدی، دلیل این نمیشود که دشمنی هم که در مقابل توست، حواسش پرت شده باشد؛ او ممکن است حواسش جمع باشد، بزند. پس باید حواسها جمع باشد. اینکه ما این همه عرض میکنیم، توصیه میکنیم، تأکید میکنیم، هم به مسئولین، هم به مردم، که خودتان را به مسائل فرعی سرگرم نکنید، برای خاطر این است. اینکه به مطبوعات، به رسانه‌ها، به روزنامه‌ها، به پایگاه‌های اینترنتی که امروز رواج پیدا کرده است، همی سفارش میکنیم که از وارد کردن حرفها و مطالب نادرست - که ذهن مردم را مشغول میکند - به فضای ذهنی مردم پرهیز کنید، به خاطر این است.^{۱۲}

۶. رعایت قانون

من معتقدم باید به قانون عمل کرد؛ چه به نفع ما باشد، چه به ضرر ما. خیلی از قوانینی که در مجلس تصویب میشود، ممکن است مورد قبول شما نباشد؛ خیلی از مصوبات دولت ممکن است مورد قبول شما و من نباشد؛ اما به همان چیزی هم که قبول نداریم، باید عمل کنیم، و این منطق دارد. منطق این است که قانون بد بهتر از بی قانونی و نقض قانون است. این که ما قانون را هر جا طبق میل ما از آب درمی‌آید، قبول نداشته باشیم؛ هر جا نتیجه‌اش طبق میل ما از آب در نمی‌آید، قبول نداشته باشیم، منطقی نیست. من معتقدم قانون باید ملاک باشد.^{۱۳}

از جمله‌ی کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خُلل و فُرَج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است؛ این را، هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده‌ی عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند. «آتش‌به‌اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همّت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش‌به‌اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیّت کشور، و مراقب حفظ قوانین [باشند]؛ این مراقبتها در درجه‌ی اوّل متوجّه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و مایلند که کشور به سمت هدفهای خود حرکت بکند.^{۱۴}

^{۱۲} بیانات در دیدار مردم قم: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

^{۱۳} بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور: ۱۳۸۲/۱۰/۲۲

^{۱۴} خطبه‌های نماز عید فطر: ۱۳۹۶/۰۴/۰۵

۷. تحقیق برای فهمیدن مطلب

خود این بیان، اول تبیین و فهمیدن لازم دارد. ما باید بفهمیم، تا بتوانیم آنچه را که فهمیده‌ایم، تبیین کنیم. پس، کسب فهمیدن هم برای ما واجب و ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ما باید روزبه‌روز بر خودمان اضافه کنیم. آنچه که ما میدانیم، در مقابل آنچه که نمیدانیم، یک پر کاه در مقابل صحراها و کشتزارها هم نیست. آنچه که ما میدانیم، چیست؟ هر کتابی که آدم باز میکند، میبند سیل مطالب در این کتابها هست، که آن ظرف خالی ما محتاج آن است. کو عمق؟ کو استعداد؟ کو توفیق برای این همه فهمیدن؟ به‌هر حال، ما باید تلاش کنیم.

ما در مقابل آنچه که باید بدانیم، و نسبت به معارفی که مردم ما محتاج آن هستند، چیزی نمیدانیم. ما باید درس بخوانیم و مطالعه کنیم. حالا من نمیخواهم در این جا تکلیف درس خواندن بکنم؛ باید با مطالعه و تحقیق و تأمل و تفکر، بر خودمان بیفزاییم، تا بتوانیم بیان کنیم. پس، یک تکلیف، تکلیف تبیین است، که همه‌ی علما آن را داشته‌اند.^{۱۵}

• لزوم تسلط بر نقشه قبل از جهاد

اشتباه نکنیم! گاهی اوقات بعضی‌ها -بنده مکرر مثال زده‌ام- مثل کسی که در یک سنگری قرار گرفته، بعد خوابش میبرد، بعد از مدتی از خواب بیدار میشود، نمیداند دشمن کدام طرف است، دوست کدام طرف است، تفنگ را میگیرد طرف دوست؛ گاهی اوقات این جوری است؛ عرصه‌های جهاد را بعضی‌ها نمی‌شناسند؛ نمیدانند کجا باید حرکت کرد و اصلاً دشمن کدام طرف است، به کدام طرف بایستی نگاه کرد و کجا را آماج حمله باید قرار داد.^{۱۶}

• لزوم پیدا کردن جایگاه خود در جهاد تبیین

مقابل این جبهه‌ی شیطان چیست؟ جبهه‌ی جهاد فی سبیل‌الله؛ جبهه‌ی جهاد فی سبیل‌الله. خب شما در هیئتید دیگر؛ از هیئت خودتان سؤال کنید که در این جهاد کجا قرار دارد؟ عرض ما این است. این نکته‌ی دومی که عرض کردیم این است: ما از خودمان سؤال کنیم که ما در این جهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت -این جنگی است بین اینها- ما در کجای این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟ این را باید مشخص کنیم برای خودمان و خاطر خودمان را جمع کنیم. کجا ایستاده‌ایم؟^{۱۷}

^{۱۵} بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱

^{۱۶} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

^{۱۷} همان

۸. تمییز دادن تبیین از تبیین‌نما

من دو خطا را امروز می‌خواهم تصحیح کنم. دو اشتباه دارد تزریق میشود به افکار عمومی مردم ما. عامل این تزریق هم در درجه‌ی اوّل خود دستگاه استکبار و آمریکا هستند، و درجه‌ی دوّم بعضی آدمها در داخل؛ آدمهایی که - من همه را متهم نمی‌کنم - بعضی‌شان وابسته‌ی به تشکیلات سرویس‌های جاسوسی یا سیاسی یا مراکز خاصّ آمریکایی هستند، بعضی‌شان هم نه، وابستگی ندارند؛ از نفس افتاده‌ها، پشیمان‌شده‌ها، بوی لذّت دنیا به مشامشان رسیده‌ها. آنها این فکر را، این دو خطا را دارند حواله میدهند به اینها، اینها هم در منبرهای مختلف، در جایگاه‌های مختلف، این را توسعه میدهند و گسترش میدهند؛ داخل دانشگاه، بیرون دانشگاه، در مطبوعات و جاهای مختلف. من این دو خطا را امروز می‌خواهم تصحیح کنم.

یکی اینکه این جور تبلیغ میکنند که اینکه امام فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید - که امروز هم همین حکم جاری است - از سر تعصّب و غرور است یعنی منطقی پشت سرش نیست؛ این را میخواهند ترویج کنند. میخواهند بگویند جوانهای ما، انقلابیون ما، مردم ما، مسئولین ما، که سینه سپر میکنند و در مقابل آمریکا می‌ایستند و نسبت به توطئه‌های او افشاگری میکنند، مردمان متعصّبی‌اند؛ کارشان از روی حمیت (۳) جاهلی و از روی تعصّب است؛ این را میخواهند بیان بکنند. درحالی‌که درست ۱۸۰ درجه قضیه عکس است. اینکه فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، پشتش یک منطق محکم وجود دارد. آن منطق این است که اساس سیاست آمریکا بر افزون‌طلبی و دست‌اندازی است. تاریخ آمریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن می‌گذرد، این را نشان میدهد - البته اوایل خیلی کمتر، از حدود صد سال پیش یا اندکی کمتر از صد سال پیش، خیلی بیشتر - سیاست کلی آمریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به وسیله‌ی دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛ این جور عمل میکنند؛ این سیاست آنها است. این سیاست را در منطقه‌ی غرب آسیا اعمال کردند، در ایران در دوران طاغوت اعمال کردند، در کشورهای همسایه‌ی ما اعمال کردند. بر سر این قضیه با شوروی سابق زورآزمایی داشتند - او به طرف خود میکشید، این به طرف خود میکشید - و ایران منطقه‌ی نفوذ آمریکا بود. اندکی غفلت بعد از پیروزی انقلاب موجب میشد که دشمنی که از در بیرونش کردیم، از پنجره برگردد؛ امام نگذاشت و جلوی این را گرفت.

اینکه گفتند در مقابل آمریکا بایستید، هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، به معنای دفاع از ارزشها است؛ نه فقط ارزشهای مخصوص مسلمانها، دفاع از ارزشهای انسانی. امروز به اعتراف خود آمریکایی‌ها، دولت آمریکا و نظام آمریکا از ارزشهای انسانی فرسنگها دور افتاده. این مناظره‌ی دو نامزد [ریاست جمهوری]

آمریکا(۴) را دیدید؟ حقایقی که اینها بر زبان راندند دیدید؟ شنیدید؟ اینها آمریکا را افشا کردند. چند برابر چیزهایی را که ما میگفتیم و بعضی باور نمیکردند و نمیخواستند باور کنند، خود اینها گفتند. و جالب این است که آن که صریح تر گفت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت. آن مرد چون واضح تر گفت، صریح تر گفت، مردم آمریکا بیشتر به او توجه کردند. طرف مقابل گفت این پوپولیستی کار میکند؛ عوام گرایانه، چرا عوام گرایانه؟ برای خاطر اینکه حرفهایش را مردم نگاه میکردند، میدیدند درست است؛ در واقعیات زندگی خودشان آن را میدیدند. ارزشهای انسانی در آن کشور نابود شده و لگدمال شده است؛ تبعیض نژادی وجود دارد. همین چند روز قبل از این آن مرد در تبلیغات انتخاباتی اش ایستاد و گفت شما اگر رنگین پوست هستید، اگر سیاه پوست و سرخ پوست هستید، در خیابانهای نیویورک و شیکاگو و واشنگتن و کالیفرنیا و غیرذلک وقتی راه میروید، نمیتوانید مطمئن باشید که تا چند دقیقه دیگر زنده اید. شما ببینید! این حرف را کسی دارد میزند که انتظار دارد چند روز دیگر برود در کاخ سفید، بنشیند آمریکا را اداره کند. نژادپرستی آمریکا یعنی این.

فقر آمریکایی ها را [هم گفت]. گفت ۴۴ میلیون نفر در آمریکا گرسنه اند. او گفت و دیگران هم گفتند که کمتر از یک درصد مردم آمریکا مالک نود درصد ثروت آمریکا هستند. ارزشهای انسانی در آنجا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر. «مرگ بر آمریکا» که شما فریاد میزنید، اینکه گفتند «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، یعنی مرگ بر این چیزها. امام به خاطر همین چیزها گفت که هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید.

اینها همه یک طرف، یک طرف دیگر قضیه و یک عامل مهم دیگر قضیه هم این است که اینها همان روزهای اول، زمینه‌ی یک ضربه‌ی بزرگ به ملت ایران را فراهم کردند، یعنی محمدرضا را پناه دادند در آمریکا، برای اینکه او را نگه دارند، زمینه را فراهم کنند، عواملش را در اینجا تقویت کنند، خود او هم باشد، بعد همان کاری را که در ۲۸ مرداد سال ۳۲ انجام دادند - یعنی ۲۵ سال قبل از آن تاریخ - دوبرتبه انجام بدهند. در ۲۸ مرداد هم محمدرضا از ایران فرار کرد؛ انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها دست به دست هم دادند، مخفیانه آمدند داخل، از سفارتهای گوناگون استفاده کردند، پناه گرفتند، عوامل خودشان را تجهیز کردند، آماده کردند، از غفلت آن روز مردم استفاده کردند، دوبرتبه محمدرضا را برگرداندند و همان برگرداندن بود که ۲۵ سال تسمه از گرده‌ی این ملت کشید و پدر این مردم را درآورد. اینها میخواستند این کار را دوباره انجام بدهند، [اما] امام جلوی این را گرفت، سد کرد، ملت ایران را بیدار کرد و ملت ایران بیدار شدند. بنابراین این شعار ضد آمریکایی، این فریاد کشیدن بر سر آمریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطق است؛ متکی به یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و فکری است. پس هم

جوانهای عزیز ما، هم کسانی که مینویسند و میگویند و دارای منبر هستند برای گفتن - منبر مطبوعات، منبر دانشگاه، منبر کلاس درس، منبرهای گوناگون - بدانند و توجه کنند که اگر امروز ملت ایران شعار ضد آمریکا میدهد و قبلاً هم در این سی و چند سال شعار میداده است، به خاطر یک منطق محکم است.

در طول این سالها هم ما هشت سال با صدام جنگ داشتیم، آمریکایی‌ها پشت سر صدام محکم ایستادند؛ هرچه توانستند به او کمک کردند. [آمریکایی‌ها] بعد از جنگ یک جور، قبل از شروع جنگ یک جور، در دوران جنگ یک جور، تا امروز یک جور، در قضیه‌ی برجام یک جور، بعد از برجام یک جور [دشمنی کردند]. چند روز قبل از این، همین آقای مذاکره‌کننده‌ی آمریکایی (۵) صریحاً ایستاد و گفت - و در تلویزیون ما هم پخش شد - که ما بعد از برجام هم ایران را تحریم کردیم. آمریکا این است. ایستادگی ملت ایران در مقابل آمریکا ایستادگی متکی به منطق است. [پس] خطای اول این بود که میخواهند وانمود کنند مردم از روی لجاجت در مقابل آمریکا ایستاده‌اند. واقع قضیه عکس این است؛ مردم از روی منطق در مقابل آمریکا ایستاده‌اند. این تصحیح خطای اول.

خطای دوم؛ فکر غلط و خطائی که این هم باز دارد به نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزریق میشود و کسانی هم در داخل آن را ترویج میکنند و از اولی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با آمریکا سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد.

[این] از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است]. [میگویند] اگر ما با آمریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل میشود. خوب، حالا ده تا دلیل میشود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با آمریکا مشکلات کشور را به هیچ وجه حل نمیکند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد. ده پانزده دلیل وجود دارد و میشود شمرد و ردیف کرد برای این قضیه؛ آخری‌اش همین قضیه‌ی برجام است. من چقدر در طول مذاکرات گفتم که اینها بدعهدند، اینها دروغگویند، اینها پای حرفشان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه میکنید! امروز آن کسی که دارد میگوید آنها بدعهدند دیگر من [فقط] نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این همه زحمت کشیدند، یک سال و خرده‌ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن همه زحمت، عرق ریختند، زحمت کشیدند، آنها دارند میگویند.

در همین جلسه‌ی وزرای خارجه‌ای که در نیویورک، در حدود یک ماه قبل تشکیل شد، (۶) وزیر محترم خارجه‌ی ما هم شرکت کرد، آنها هم شرکت کرده بودند؛ در آن جلسه وزیر خارجه‌ی ما یک کیفرخواست بزرگی علیه آنها ذکر میکند؛ میگوید شماها این کار را کردید که نباید میکردید، این کار را نکردید که باید میکردید؛ یک کیفرخواست، یک ادعای نامه؛ جوابی هم نداشتند؛ خب اینها این [طور] هستند؛ سازش کنید سر سوریه، سازش کنید سر حزب الله، سازش کنید سر افغانستان و پاکستان، سازش کنید سر عراق، سازش کنید سر مسائل داخلی؛ با چه کسی؟ با آن کسی که لحظه‌ای از دشمنی فروگذار نمیکند. هدفشان این است که نگذارند این ملت رشد کند، هدفشان این است که نگذارند مشکلات اقتصادی این کشور حل بشود؛ [آن وقت] اینها می‌آیند کمک به حل مشکلات کنند؟

اولاً طرف دروغگو است، فریبگر است، بدعهد است، خنجر از پشت بزن است، در همان حالی که دارد با یک دست دست میدهد، به قول خودشان یک مشت سنگ در دست دیگرش است که بزند به سر طرف مقابل. طرف، این جور آدمی است. **ثانیاً آمریکا میخواهد مشکلات ملت ایران را حل کند؟ خود آمریکا دچار بحران است؛ این را چرا نمیگویند؟** این را همه‌ی دستگاه‌های مهم قضاوت‌کننده‌ی در این گونه مسائل در دنیا، حتی خود آمریکایی‌ها دارند میگویند. آمریکا دچار بحران است؛ بحران اقتصادی، بحران بین‌المللی، بحران سیاسی، بحران اخلاقی؛ خودش دچار بحران است. امروز قرضهای دولت آمریکا تقریباً نزدیک به تولید ناخالص کل آمریکا است؛ این نشانه‌ی بحران است، این را اقتصاددان‌ها میگویند. میگویند هروقتی که دیون یک دولت نزدیک شد به تولید ناخالص یک دولت، این دولت در حال بحران است؛ این اقتصاد بحران است؛ امروز آمریکا این جور است. آن مقداری که بدهکار است، نزدیک به حدود شصت و چند درصد تولید ناخالص ملی اش است؛ این میخواهد به چه کسی کمک بکند؟ این میخواهد بمکد، این میخواهد بکند تا خودش را ترمیم بکند؛ این می‌آید به اقتصاد کشوری کمک کند؟ این از لحاظ اقتصادی.

از لحاظ سیاسی [هم] دچار بحرانند. امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا - این را من با قاطعیت عرض میکنم - که یک ملتی قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است؛ یک روز شعار مرگ بر آمریکا فقط مال اینجا بود؛ امروز در منطقه‌ی غرب آسیا، در منطقه‌ی شرق آسیا، [حتی] در خود اروپا، در منطقه‌ی آمریکای لاتین، در منطقه‌ی آفریقا، ملتهایی که قیام میکنند، اولین شعارشان علیه آمریکا است؛ این وضع سیاسی آمریکا است. بحران از این بالاتر؟

آمریکا برای منطقه‌ی غرب آسیا نقشه داشت. ببینید، شماها یادتان نیست، البته مال خیلی وقت نیست، مال ده دوازده سال قبل است، ولی خب شما جوانها آن روز را هم یادتان نیست. وزیر خارجه‌ی آمریکا آن روز

آمد گفت که «ما میخواهیم یک خاورمیانه‌ی بزرگ درست کنیم»؛ در قضیه‌ی لبنان و جنگ ۳۳ روزه، اسم خاورمیانه‌ی بزرگ را آورد. خاورمیانه‌ی بزرگ یعنی چه؟ آنها اسم منطقه‌ی غرب آسیا را میگویند خاورمیانه؛ خاورمیانه‌ی بزرگ یعنی یک منطقه‌ای از حدود پاکستان تا مدیترانه، یعنی تمام این کشورهای این منطقه، خاورمیانه است و آمریکا برای همه‌ی این منطقه یک نقشه‌ی کلی کشیده بود که همه‌ی اینها را با محوریت اسرائیل توی مشت نگه‌دارد؛ خاورمیانه‌ی بزرگ یعنی این. امروز وضع این خاورمیانه‌ی بزرگ آن وزیر خارجه - که بیچاره یک خانمی هم بود که این حرف را زد- (۷) به جایی رسیده که اینها در قضیه‌ی سوریه مانده‌اند، در قضیه‌ی عراق مانده‌اند، در قضیه‌ی لبنان مانده‌اند، در قضیه‌ی شمال آفریقا مانده‌اند، در قضیه‌ی لیبی پا در گل مانده‌اند، در قضیه‌ی یمن خودشان را وارد قضیه کرده‌اند [اما] مانده‌اند؛ این وضع سیاسی بین‌المللی آمریکا است. بحران از این بالاتر؟ این میخواهد بیاید به کمک شما؟ این میخواهد بیاید مشکلات کشور را حل کند؟

ما در نقطه‌ی مقابلیم؛ خدا را شکر؛ این کار خدا است؛ این لطف خدا به این ملت است که به آنها شجاعت داد، به آنها بصیرت داد، به آنها استقامت داد، مشکلات را تحمل کردند، مردان و زنان مؤمن این ملت توانستند جوری مشی کنند و جوری عمل کنند که امروز ملت ایران در خاورمیانه سربلند است. در عراق، در سوریه، در لبنان، در یمن، در منطقه‌ی خلیج فارس، در هر جا که شما نگاه میکنید، ایران یک چهره‌ی درخشان است. [آنها] از لحاظ اقتصادی در بحراند، از لحاظ سیاسی در بحراند، از لحاظ بین‌المللی در بحراند، از لحاظ اخلاقی در بحراند. از لحاظ اخلاقی - چه در زمینه‌ی مسائل مربوط به اخلاق جنسی، چه [مسائل] مربوط به مفاسد مالی - [براساس] حرفهایی که خودشان میگویند، در مطبوعات خودشان منتشر میشود، حرفهایی که خودشان میزنند - البته این خیلی کمتر از واقعیت است - و آنچه حالا این دو نامزد محترم ریاست جمهوری‌شان (۸) که یکی از اینها بالاخره چندروز دیگر خواهد رفت در کاخ سفید و رئیس‌جمهور آنجا خواهد شد، لابد حرف بی حساب میزنند؛ دوتایی باهم بدند، اما دست‌به‌دست هم داده‌اند برای افشاگری آمریکا و برای نابود کردن آبروی آمریکا و موفق هم شده‌اند. (۹) این کشور چطور میخواهد بیاید به ایران کمک کند؟ چرا این غلط را در ذهنها میگذارند که «اگر با آمریکا مشکلاتمان را حل کردیم و سازش کردیم، مشکلات کشور حل خواهد شد»؟ نه آقا جان! سازش با آمریکا مشکلات کشور را حل نمیکند، بلکه افزایش خواهد داد؛ مشکلات سیاسی‌ای اگر داشته باشیم، مشکل اقتصادی اگر داشته باشیم؛ مشکلات ما را خودمان باید حل کنیم؛ مشکلات ما را شما باید حل کنید، شما جوانها.^{۱۸}

۹. توام بودن تبیین با عمل

ارتباط برقرار کنید، حرف بزنید، خبر بدهید، خبر بگیرید، روحیه بدهید، روحیه بگیرید؛ حقایق را که درباره‌ی استکبار، مستکبرین، معاندین، مخالفین میدانید... برای آن برادرانی که تازه وارد این میدان شده‌اند، تشریح کنید. آنهایی هم که توانائی تبیین و بیان و این چیزها ندارند، با رفتار خودشان مردم را دعوت کنند؛ «کونوا دعاة الناس بغير السستکم». مردم را با زبان هم میشود دعوت کرد، اما دعوت قویتر و بهتر، با عمل است.^{۱۹}

امام ما برای حیات دوباره‌ی اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدف‌دار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمیشود؛ بلکه پیمودن و سنگربه‌سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار میگیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت ادامه می‌یابد: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُوِّرَهُ الْمُشْرِكُونَ.^{۲۰}

۱۰. بهنگام بودن

نکنه‌ی اصلی‌ای که در قضیه‌ی قم وجود دارد که من آن نکته را هم بارها عرض کرده‌ام و تکرار میکنم، این است که مردم قم در آن مقطع، بهنگام عمل کردند. همیشه کار وقتی که در وقت خود انجام گرفت، تأثیر میکند یا تأثیر آن افزایش پیدا میکند. همان کار را اگر گذاشتیم بیات شد، مدتی گذشت و بعداً انجام گرفت، گاهی اثر نمیکند یا اثر کمی میکند. هنر قمی‌ها این بود که نکته را فوراً گرفتند، دشمنی را فوراً شناختند و در همان وقت اول به آن پاسخ دادند، و آلا اگر بعد از آنکه آن رفتار خباثت‌آمیز توطئه‌آمیز دشمن نسبت به امام بزرگوار انجام گرفت، این دست آن دست میکردند، [میگفتند] حالا میکنیم، فردا میکنیم، یک ماه دیگر میکنیم، این حوادث بعدی اصلاً به وجود نمی‌آمد. فریضه وقت دارد، در وقت خود باید فریضه را انجام داد؛ بهترین وقت انجام فریضه هم اول وقت - وقت فضیلت - است. خب، بعضی اصلاً فریضه را انجام نمیدهند، [میگویند] بی‌خیال؛ بعضی انجام میدهند اما با تأخیر؛ بعضی میگذارند وقت که گذشت انجام میدهند، مثل توأین؛ توأین آن وقتی که باید

^{۱۹} برائت از مشرکین، اتحاد با مسلمین ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

^{۲۰} پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

می آمدند - که عاشورا بود - نیامدند، وقتی آمدند که کار از کار گذشته بود. یا قیام مردم مدینه با رهبری عبدالله بن حنظله. آمدند در مقابل یزید ایستادند، قیام کردند، حاکم مدینه را بیرون کردند، اما دیر؛ آن وقتی که شنیدند که حسین بن علی (علیهما السلام) از مدینه خارج شد، آن وقت باید به این فکر می افتادند، نیفتادند؛ دیر به فکر افتادند، یک سال بعد [به فکر افتادند]؛ نتیجه هم همانی شد که تاریخ ثبت کرده است؛ قتل عام شدند، تارومار شدند، نابود شدند، هیچ کاری هم نتوانستند بکنند. کار را در وقت باید انجام داد. خب، اگر بخواهیم کار را در وقت انجام بدهیم، بایستی فریضه را بشناسیم، بدانیم چه کاری باید انجام داد تا آن را در وقت خود انجام بدهیم.^{۲۱}

۱۱. استقامت و بصیرت

یعنی اگر زود ناامید شدید، زود خسته شدید، کار پیش نمی رود؛ باید ناامید نشوید، باید حرکت کنید. ببینید! این انقلاب براساس یک مبارزه ی طولانی شروع شد. حوادثی که در سال ۵۷ و ۵۶ اتفاق افتاد که حرکت عظیم مردمی به میدان آمد، اینها خلق الساعه نبود؛ از سالها پیش، از سال ۴۱ تلاش شده بود، کار شده بود، مبارزه شده بود؛ آن کسانی که این تلاشها را در این سالهای دشوار انجام میدادند با تبیین، با توضیح، با تشریح، با تقویت مبانی فکری، با تبیین زمینه های مبارزه، کارشان آسان نبود، اینها با مشکلات مواجه بودند؛ اینها با حبس مواجه بودند. حالا اینجا این برادر عزیزمان می آید میگوید اگر کسی مخالف حرف شما [حرف] زد، باید برود در پیچ و خم دلانهای دادگستری! نه، مخالف بنده حرف زدن اصلاً نه مؤاخذه دارد، نه جرم است؛ من خودم بارها گفته ام؛ [اما] آن روز این جوری نبود، آن روز مخالفت با یک پلیس زندان داشت! مخالفت با یک رئیس شهربانی سختی های فراوان داشت، چه برسد اینکه انسان بخواهد مبانی اسلام را در مواجهه ی با نظام، تشریح بکند؛ اینها سخت بود، زحمت داشت، زندان رفتن داشت، سختی کشیدن داشت، محرومیت کشیدن داشت اما خب ایستادند، مبارزه کردند؛ نتیجه ی این مبارزه این شد که در سال ۵۶ و ۵۷ یک جرعه که زده شد، همه ی ملت وارد شدند. اگر چنانچه ایستادگی کردید - همان طور که قبلاً هم گفتیم - گفتمان سازی کردید، ذهنها را آماده کردید، آن وقت در هنگام لازم به دردتان می خورد. یعنی می توانید ذهن مردم را بسیج کنید به سمت یک حقیقتی تا آن را مطالبه کنند. وقتی مطالبه کردند، مسئولین ناچارند انجام بدهند. پس ایستادگی لازم است. ما در کار دانشجویی تکیه ی مؤکد داریم بر اینکه کسانی که در مجموعه های دانشجویی فعالیت میکنند، باید ایستادگی بکنند؛ باید محکم باشند.^{۲۲}

۲۱. بیانات در دیدار مردم قم: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

۲۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

تکلیف ما این نیست که بگوییم: «ما گفتیم؛ هر کس میخواهد، عمل بکند». این مربوط به این دوره نیست که حکومت به دست مسلمین است؛ دوره‌یی که بار اداره‌ی جامعه بر دوش ماست؛ بخصوص دوره‌یی که دشمن این همه تلاش میکند، تا مفاهیم اسلامی را از ذهنها بزدايد. تکلیف ما فقط این نیست که حالا مطلبی را گفتیم؛ شد، شد؛ نشد، نشد؛ ما فقط بایستی حرفمان را بزنیم؛ این گونه نیست. ما بایستی حرف خود را به دلها برسانیم؛ «و ما علیالرّسول الّالبلاغ» (۵). این که چیزی را در هوا پرتاب کنیم، کسی گرفت، گرفت؛ نگرفت، نگرفت؛ به جایی رسید، رسید؛ نرسید، نرسید؛ این قبول نیست. من این را به عنوان یک مشکل مشاهده میکنم.^{۲۳}

من سابق‌ها مکرر گفته‌ام اگر یک ملّتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب خواهد خورد. اصحاب امام حسن قدرت تحلیل نداشتند؛ نمیتوانستند بفهمند که قضیه چیست؛ چه دارد میگذرد. اصحاب امیرالمؤمنین، آنهایی که دل او را خون کردند، همه مغرض نبودند، خیلی از آنها قدرت تحلیل نداشتند؛ مثل خوارج — که حالا خوارج را عرض میکنم — قدرت تحلیلشان ضعیف بود؛ یک آدم نابابی، یک آدم بدجنسی، یک آدم زبان‌داری پیدا میشد، میکشاند مردم را به یک طرف، شاخص را گم میکردند. در جاده، شاخص باید همیشه مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه میکنید. اشتباه میکردند. امیرالمؤمنین میفرمود: وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ؛ اوّل، بصیرت، هوشمندی، بینایی، دارای قدرت فهم و تحلیل بودن، و بعد، صبر، مقاومت، ایستادگی: زود دل انسان آب نشود از آنچه پیش می‌آید. راه حق راه دشواری است.

تمام قدرتمندان و ستمگران عالم آمدند بر تلّ باطل چیزی افزودند. همه‌ی شیطان‌صفت‌ها در طول تاریخ و در زمان ما آمدند چیزی بر این سدّ باطل که مقابل راه مؤمنین و بندگان خدا را میگیرد، اضافه کردند. حق میخواهد این تل را از سر راه بردارد، میخواهد این سد را بشکافد؛ کار آسانی نیست، کار سختی است؛ تحمّل لازم دارد، صبر لازم دارد، ظرفیت لازم دارد، رجوع به قدرت نفسانی لازم دارد، جوشندگی از درون لازم دارد تا انسان بتواند راه حق را برود. البتّه وقتی که راه حق را انسان توانست هموار کند، آن وقت زندگی، زندگی لذّت‌بخشی است. زندگی‌ای که در آن ظلم نباشد، زندگی‌ای که در آن زورگویی نباشد، زندگی‌ای که در آن تحمیل نباشد، زندگی‌ای که در آن شیطان بر اعمال انسان و افکار انسان مسلط نباشد، خیلی زندگی روحانی و معنوی‌ای است.^{۲۴}

^{۲۳} بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور: ۱۳۷۰/۰۶/۲۵

^{۲۴} بیانات پس از اقامه نماز جماعت در روز ۲۹ رمضان ۱۴۱۱ ۱۳۷۰/۱/۱

۱۲. مداومت در تکرار

یک این را باید تبدیل بکنید به **گفتمان**؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ ... ، میتوانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار بکنید، بگویید، تا گفتمان بشود. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه‌ی عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه‌ی عمومی شد و گفتمان شد، به‌طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد.^{۲۵}

۱۳. رویکرد عملگرایانه و توصیه مدارانه

یک حرکت عمومی معقول و منضبط - منضبط! وقتی میگوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد - و صحیح و منتظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد:

عنصر چهارم این است که **بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است**. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. **خب محل بحث ما اینجا است. آنچه شما سؤال میکنید - یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است - همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست. خب این چهار عنصری که گفتیم - همه‌ی اینها - که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ متها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکلهای دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمی‌خورد.**

۱۴. علمی، منطقی، بدون اغراق و با زبان خوش

آنچه که به نظر بنده در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، فکر و دل مخاطبان شماست؛ اولاً فکر، ثانیاً دل. فکر به معنای این است که بایستی بنیه‌ی اعتقادی این جوان را تقویت کنید. جوان در معرض تحویل و تحول است، در معرض تغییر است. مؤثرات، امروز حجم خیلی زیادی در دنیا دارد. بنیه‌ی فکری جوان را باید جوری تقویت کنید که نه فقط متأثر از عوامل سلبی و معارض و معاند نشود، بلکه بتواند بر روی محیط خود اثر هم بگذارد؛ باید بتواند نورافشانی کند، محیط خودش را با مبانی و معارف اسلامی آشنا کند، در این راه پیشقدم باشد، نیروی پیشرو باشد. از لحاظ فکری بایست یک چنین حالتی پیدا کند.

از لحاظ قلبی که ذکر میکنیم، به خاطر این است که برای عروج انسان، بلکه برای ثبات انسان در صراط مستقیم، حقیقتاً فکر به تنهایی کافی نیست. علاوه بر جنبه‌ی اعتقادی، جنبه‌ی قلبی و روحی لازم است؛ حالت طوع لازم است، حالت خشوع لازم است، حالت ذکر و توجه به خدا برای انسان ضروری است. اگر این بود، خیلی از کمبودها را جبران خواهد کرد. اگر این نبود، قدرت فکری و قدرت استدلال و احتجاج، در بسیاری از مواقع به کمک انسان نخواهد آمد و کمکی به انسان نخواهد کرد. با نصیحت، با موعظه‌ی حسنه، با رفتار خوب، باید دل جوان را نرم کرد؛ او را به خشوع و توسل و توجه و تذکر آشنا کرد؛ نماز را برای او درست تبیین کرد؛ ذکر الهی را برای او درست تبیین کرد. این میشود پشتوانه‌ی آن فکر. اگر این شد، آن وقت آن استقامت فکری دیگر بی‌زوال خواهد بود. در میدان عمل، این لینت قلب، این توجه و تذکر، به درد انسان می‌خورد؛ اوست که انسان را محکم نگه میدارد؛ این چیز لازمی است. این دو چیز را باید در جوان تقویت کرد.

باید کلاس معارف بگذارید؛ معارف متقن با زبان روز، متناسب با فکر دانشجو، متناسب با ادبیات دانشجو بایستی ارائه بدهید؛ اینها کارهای لازم و اجتناب‌ناپذیری است. به لسان قوم حرف زدن، یک مصداقش اینجاست. با زبان دانشجو باید حرف زد. با ادبیاتی که برای دانشجو قابل فهم است، باید حرف زد. ای بسا ادبیاتی است که در یک محیطی کارساز است، کارآمد است، اما در محیط دیگری کارآمد نیست. این درست مثل اختلاف لغت میماند. واقعاً اختلاف در ادبیات، مثل اختلاف در لغت است؛ مثل این است که انسان در یک محیط فارسی زبان بیاید مثلاً گجراتی حرف بزند؛ هیچ کس چیزی نخواهد فهمید. اگر چنانچه انسان با ادبیات محیط جوان و محیط دانشجویی آشنا نباشد، از این ادبیات استفاده نکند، راه ارتباط فکری بسته خواهد شد و تأثیرگذاری کم خواهد شد. پس به لسان قوم بودن خیلی لازم است.

در بخش موعظه‌ی حسنه - که حالا من تعبیر «تربیت» را به کار نمیبرم، چون تربیت یک معنای اعمی دارد - به نظر من علاوه‌ی بر مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی رفتار لازم است. همین «کونوا دعاء الناس بغير السستکم» که گفته شده، اینجاست. چیزی که دلها را نرم میکند، بلکه عنادها را به زانو در می آورد، آدمهای معاند را به زانو در می‌آورد، رفتار درست است، رفتار خوب است. البته رفتار خوب، شامل اخلاق خوب، تواضع، صداقت در گفتار، صداقت در موضعگیری، صراحت در بیان حقیقت و بلندنظری نسبت به امور مادی و دنیوی میشود؛ این چیزهایی که نشان‌دهنده‌ی خلوص در عمل است؛ که اگر به توفیق پروردگار ماها واقعاً خلوص در عمل داشته باشیم، طبعاً در رفتار و گفتارمان خودش را نشان میدهد. بنابراین نقطه‌ی اساسی مهم دوم، بهترین راهش همین است: اولاً لسان موعظه و نصیحت - برادرانه، و در مواردی پدرانه و مشفقانه - ثانیاً رفتار و عمل.^{۲۶}

۱۵. توجه ویژه به فضای مجازی

دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده میکنند اما شما جوان‌ها از فضای مجازی برای امید آفرینی، برای توصیه به صبر، برای توصیه به حق، برای بصیرت آفرینی، برای خسته نشدن و بیکاره نمادن و مانند اینها استفاده کنید.^{۲۷}

۱۶. شجاعت

ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست میفهمد، در صُغریات اشتباه میکند. این درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و الا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را

^{۲۶} بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۰۴/۲۰

^{۲۷} در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

هم مختل میکند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمیفهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «و لا یخشون احدا الا الله» خیلی مهم است؛ در این آیهی شریفه «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیباً»؛ معلوم میشود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احدا الا الله». میگوئی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «و کفی بالله حسیباً»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای قضاوتهای مردم، داوریهای گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آنوقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ «ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا»؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئلهی خشیت از مال و جان و حرف مردم و آبرو و زمزمه‌ها و حرفها و حدیثها و تهمتها و اینها، خیلی مهم است؛ اینقدر این مسئله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب میکند و او را برحذر میدارد: «و اذ تقول للذی أنعم الله علیه و انعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبذیه و تخشی الناس و الله احق أن تخشاه»؛ ملاحظه‌ی حرف مردم، ملاحظه‌ی این تهمتی که خواهند زد، ملاحظه‌ی چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «و الله احق أن تخشاه». به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را - که واقعاً چیز عجیبی بود - به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمیکرد. بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «الذین قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». یعنی اینکه دائماً دارند به ما میگویند: آقا! «إن الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم»، جوابش همین است: «فقالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». نتیجه‌اش هم این است: «فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسهم سوء». نتیجه‌ی این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسهم سوء». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت.^{۲۸}

۱۷. بدون مصلحت اندیشی

این را هم عرض بکنیم؛ بعضیها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنة کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم - آثار صفین را نگاه کنید - مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه‌ی عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی میکرد - که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست - از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین - یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است - انا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یحلب؛ همان ظهری است که یرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند.^{۲۹}

۱۸. به دور از هیاهو و جنجال

یک نکته هم این است که تبیین را اساس کار بدانید. بنده میبینم گاهی اوقات یک جماعتی، یک افرادی، جوانهای احتمالاً صالح و مؤمنی با یک کسی مخالفند یا با یک جلسه‌ای مخالفند، بنا میکنند هیاهو کردن و جنجال کردن و شعار دادن؛ بنده با این کارها موافق نیستم. این هیچ فایده‌ای ندارد؛ این را من از قدیم به کسانی که در این کارها بودند، همواره سفارش کرده‌ام. اینکه بروند در یک مجلسی، چون فلان کس سخنرانی میکند که شما مثلاً او را قبول ندارید - ممکن هم هست حق با شما باشد یا نباشد - برویم این مجلس را خراب کنیم، به هم بزنیم؛ نه، این هیچ فایده‌ای ندارد. فایده در تبیین است، فایده در کار درست است، در کار هوشمندانه است؛ اینها است که فایده دارد. گاهی اوقات بعضی‌ها از روی اغراضی این کارها را میکنند، به پای بچه‌های مؤمن و حزب‌اللّهی می‌اندازند؛ حواستان به این هم باشد.^{۳۰}

^{۲۹} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۲۰

^{۳۰} بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۲

۱۹. به دور از فتنه انگیزی و بدون تعارف

این تبیین به شکلهای مختلفی ممکن است انجام بگیرد؛ آن شکلی که در آن فتنه به وجود بیاید، دعوا به وجود بیاید، آن شکل مطلوب نیست. آن شکلی که برای مردم آگاهی به وجود بیاید، برای مسئولین تنبه به راه حل‌ها به وجود بیاید، آن شکل بسیار مطلوب است؛ این اشکالی هم ندارد. جایگاه قانونی خودشان را حفظ کنند. بیان موضع‌گیری خوب است، البته عرض کردیم بیان موضع‌گیری دو جور ممکن است؛ آن جوری باشد که موجب فساد و موجد فساد باشد، نباید باشد اما بیان حقایق جوری که مردم را آگاه کند، مسئولین را آگاه کند، مسئولین را متشکر کند [مطلوب است]. گاهی انسان یک حرفی را میزند اگرچه انتقادآمیز است، مسئولین می‌آیند تشکر میکنند؛ برای خود ما مکرر پیش آمده که مسئولین میگویند آقا این نکته‌ای که شما گفتید، کار ما را آسان کرد و ما میتوانیم کارمان را انجام بدهیم؛ ممکن است تشکر بکنند از شما. این هم این مطلب. پس بنابراین در مورد مجلس خبرگان، عرض ما این است که مصلحت‌اندیشی‌های شخصی رعایت نشود؛ رودربایستی‌ها رعایت نشود؛ مرّ حقیقت و آنچه وظیفه‌ی انسان است که باید در مقابل خدای متعال انسان جواب بدهد، آن را در نظر بگیریم؛ متوجه سؤال پروردگار باشیم.^{۳۱}

۲۰. پرهیز از سیاه نمایی

بد نیست که از این جهت یک نگاه جمعی و کلی و عمومی به مسائل کشور بکنیم. البته در این نگاه کلی بایستی واقع‌بینانه نگاه کنیم؛ خودمان را نبایستی دچار خطا کنیم؛ یکسونگری نکنیم. ما نقاط مثبتی داریم، نقاط منفی‌ای هم داریم؛ هر دو را ببینیم. گاهی فقط نگاه منفی غلبه داده میشود. امروز متأسفانه انسان مشاهده میکند که در بین برخی مسئولین و نخبگان سیاسی و غیره کانه مد شده است که نگاه، نگاه بدبینانه باشد؛ نگاه منفی باشد؛ نقاط مثبت را نبینند؛ روی نقاط منفی تکیه کنند. در رسانه‌ها و غیررسانه‌ها مرتباً منفی بافی میشود. تا انسان میگوید هم چرا، میگویند آقا شما نمیگذارید ما واقعیات را بگوئیم. میگوئید سیاه‌نمایی است، میگوئید فلان است؛ ما میخواهیم حقایق را بگوئیم. نه، این یکسونگری است. خوب، اگر فرض بفرمائید یک واحد تولیدی دچار یک اشکالی میشود و شما میخواهید به عنوان یک نگاه واقع‌بینانه آن را بیان کنید، بسیار خوب، در کنارش مثلاً دو تا واحد تولیدی هم ایجاد شده. اگر این نقطه‌ی مثبت را بیان کنیم، یک جور مسائل کشور را میفهمیم؛ اگر این نقطه‌ی مثبت را بیان نکنیم، مسائل کشور را جور دیگری خواهیم فهمید. اگر فقط نقاط منفی را مشاهده کنیم - که

^{۳۱} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

البته نقاط منفی وجود دارد - این طبعاً واقع‌بینی نیست؛ این برآورد درستی از اوضاع کشور به ما نخواهد داد؛ منجر به ناامیدی میشود؛ ضرر اجتماع‌عاش هم این است.

بنده روزها ده بیست تا روزنامه را معمولاً همین طور یک مروری میکنم. بعضی از روزنامه‌ها هر روزی چهار تا، پنج تا تیتیر دارند که هر کدام از این تیتیرها کافی است دل یک آدم ضعیف را بلرزاند؛ منفی، منفی، منفی، این کار را دوست میدارند. حالا اغراض سیاسی است، اغراض جذب مشتری است؛ هر چه هست، نمیدانیم؛ کسانی را متهم نمیکنیم؛ اما این واقعیت است، این غلط است. غلبه دادن نگاه منفی، خلاف واقع‌بینی است؛ موجب ناامیدی است.

نقطه‌ی مقابلش هم همین جور است. یعنی غلبه دادن نگاه مثبت، بدون دیدن نقطه‌ی منفی، این هم گمراه‌کننده است؛ موجب یک رضایتی در انسان میشود که احياناً این رضایت، رضایت کاذب است؛ این هم درست نیست. نقاط منفی را هم باید در کنار نقاط مثبت دید. این کار را کشور و نظام توانسته انجام بدهد، این کار را نتوانسته انجام بدهد؛ این دو تا را در کنار هم ببینیم. بنابراین اگر بخواهیم اوضاع کشور را درست به دست بیاوریم، باید نقاط منفی و نقاط مثبت را در کنار هم مشاهده کنیم.^{۳۲}

۲۱. نوآوری

باید نوآوری کنید. همه‌ی قدرتهای انسانی و فکری خودتان را به کار بیندازید، برای این که حرف حق را با شیوه‌های نو، با زبانهای جدید و با استدلالهای تازه و آرایش خوب، بیان کنید. یک حرف را دو گونه می‌شود زد. حتی یک متن را دو گونه می‌شود ارائه کرد. اگر متن خوب و حکیمانه‌ای بنویسند و به دو نفر بدهند، یکی آن را طوری خواهد خواند که گوش نواز و دلنشین باشد و مستمعین آن را خوب بفهمند و از آن لذت ببرند. یکی هم همان متن را ممکن است طوری بخواند که مستمع را بیزار و متنفر و خسته و کسل کند. اگر ما یک مطلب واحد را هم که دیگران فراهم کرده باشند بخواهیم بیان کنیم، چند گونه می‌توانیم بیان کنیم. باید بگردیم شیوه‌ی خوبش را پیدا کنیم؛ چه برسد به این که بخواهیم مطالب را با استدلالها و شیوه‌های گوناگون بیان کنیم. می‌شود مطالب جدید، خلق و تولید کرد. شما خیال نکنید که حرف، هر چه بوده، گفته شده است؛^{۳۳}

۳۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

۳۳. بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور ۱۳۷۲/۰۲/۰۶

۲۲. هنرمندان بودند

عرض کنم که هرچه امثال من درباره انقلاب بگوییم، نخواهیم توانست آن حقیقت عظیم را تشریح کنیم؛ مگر این که زبان هنر وارد میدان شود. زبان هنر است که میتواند حوادث عظیم را تبیین و تشریح کند و ذهنها را روشن نماید. بنابراین، همان طور که اشاره کردید، کاملاً درست است؛ هنر چنین نقشی را دارد.^{۳۴}

۲۳. بهره‌گیری از معارف اندیشمندان انقلاب اسلامی بویژه حضرت امام و رهبر انقلاب

یکی از نکات اساسی در تبیین آن است که مطالب متقن و صحیح برگرفته از معارف اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مخاطبان عرضه شود. رهبر معظم انقلاب بارها بر استفاده از بیانات حضرت امام برای رسیدن به معارف انقلاب اسلامی، تاکید کرده‌اند و در واقع بیانات ایشان اصلی‌ترین منبع است. با همین مناظ و دلیل، تالی‌تلو بیانات حضرت امام، بیانات رهبر معظم انقلاب است که هم از معارف امام سیراب است و هم به خاطر ملازمت با تفکر حضرت امام، بهترین شرح بر معارف حضرت امام است و تجربه قریب هفتاد سال، مجاهدت و همچنین مدیریت کلان ارزشی، تفکر ایشان را غنی ساخته است. از سویی دیگر مزیت بروز بودن و ناظر به مسئله عصر حاضر بودن، تفکر ایشان را از دیگر اندیشمندان انقلاب اسلامی متمایز می‌کند.

اما وظیفه ما:

امروز وظیفه‌ی جوانهای ما از این جهت سنگین است. نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم قضایا را روشن کنید. یک نکته‌ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عریان ظاهر نمیشود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان میشود.

من یک وقتی گفتم جوانهای ما افسران جنگ نرم ما هستند. جوانها نباید اجازه بدهند یک چنین اتفاقی بیفتد و باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه‌ی به ایستادگی، توصیه‌ی به تنبلی نکردن، توصیه‌ی به خسته نشدن کنند؛ اینها کارهایی است که جوانهای ما که گفتیم افسران جنگ نرم هستند بر عهده دارند.

^{۳۴} بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوهی دل ملت و امید آیندهی این کشورید، به مسئلهی «تبیین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خنثی کنندهی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است.

هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ میتوانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام آفرینی‌ها را در این فضا با استفادهی از این امکان منتشر کنید و میتوانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. البته اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوهی اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام میدهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه میشوند، باید بشدت اجتناب کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی، و به‌کارگیری اخلاق منتشر کرد. امروز همه‌ی ما بایستی در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم.

امیدوارم ان‌شاءالله خدای متعال همه‌ی شماها را موفق کند. جوانهای ما امروز بحمدالله مجهزند؛ مجهز به فکر، مجهز به عقلانیت، مجهز به آگاهی‌های فراوان، و میتوانند در این زمینه‌ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش بدهید و به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهز کنید و در این میدان وارد بشوید: در میدان تبیین و افشاگری، یعنی راهی که زینب کبری (سلام الله علیها) در این چهل روز انجام داد. عظمت این چهل روز به خاطر کاری است که این بزرگوار و حضرت سجاد (سلام الله علیه) و بقیه‌ای که اطراف اینها [بودند] انجام دادند و سختی‌ها را تحمل کردند، و [اگر بخواهیم] با زبان روضه‌خوانی حرف بزنیم، در واقع در روز اربعین، زینب کبری آمد گزارش کار به امام حسین (علیه السلام) داد که این کارها را کردیم، این جور رفتیم، این جور تحمل کردیم و این جور بیان کردیم و تبیین کردیم.

امیدوارم ان‌شاءالله خدای متعال همه‌تان را موفق بدارد. راه امام حسین راه مبارکی است، راه شیرینی است، راه موفقیت است، راهی است که به نتیجهی قطعی میرسد. ان‌شاءالله خواهید توانست با الهام از حرکت حسینی و استفادهی از معارف حسینی این کشور را به قلّه‌های سعادت به معنای واقعی کلمه -هم سعادت معنوی، هم سعادت مادی- برسانید؛ راه این است؛ راه این است. راه درست، حرکت در پرتو راهنمایی‌های حسینی و ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) و قرآن و عترت است.